

# قانون لغو سود ویژه و شوراها کارگری

کارگر گویند کنیم.

در تحلیل هایی که تاکنون درباره‌ی انگیزه‌ی اساسی رژیم شاه در طرح و اجرای قانون سهام کردن کارگران در شرکتها انجام گرفته است، تکیدی یکجانبه بر حیل و عوامفریبی رژیم شاه بدین منظور که او بخشی از حسیسوق پرداخت شده‌ی کارگران را بجا آوردن مختلف نظیر سود ویژه، عیدی و با داتی به آنان پرداخت میکرد گذاشته میشود. یعنی رژیم شاه بجای آنکه بایستی حقوق کارگران را افزایش داده و در نتیجه دستمزد ثابت آنان را بسوازات بالا رفتن سطح قیمتها ارتقاء بدهد، مقادیری از این حقوق را به اشکال مختلف که هر زمان امکان کسر و حذف آنهم میرفت یا منست و صدقه‌سری به کارگران مسترد مینمود. اینگونه سیاستها و عملکردهای ضد کارگری بویژه در مناسبات عقب افتاده‌ی سرمایه‌داری از بدیهیات است. ولیکن بیان این استدلال بمتابعتی تنها انگیزه طرح عوامفریبانه‌ی سهام کردن کارگران در مورد کارگاهها ناکافی و ناقص بنظر میرسد.

سهام کردن کارگران در سود کارگاهها بعنوان یکی از اصول انقلاب سفید که در آستانه‌ی رشد سریع سرمایه‌داری ایران از انبیا تئوری های سرمایه‌داری جهانی وامبریاست خارج گردیده بود میبایست یکی از نیارهای توسعه‌ی مناسبات سرمایه‌داری یعنی افزایش بارآوری نیروی کسار و در نتیجه افزایش تولید پاسخ گوید. انگیزه‌ی مهم رژیم شاه از طرح سهام کردن و سپس قانون کسرتش مالکیت صنعتی اشاعه‌ی نوعی فرهنگ و مناسبات بورژوازی در میان کارگران و بین کارگر و مسائل تولید و ایجاد نوعی وابستگی بین کارگر و کارفرما و همه بر رویهم جهت ارتقاء سطح تولیدی بوده است. در تحلیل یکی از تئوریهایی رژیم شاه در سمینار ملی رفاه اجتماعی سازمان برنامه و بودجه میخوانیم:

"تضاد دائمی بین نیروهای مولد و روند تکاملی نظام سرمایه‌داری دو مشکل بسیار بزرگ و اساسی ایجاد کرده است. اولین مساله وجود اختلاف طبقاتی است که مرتباً با تکامل نیروهای مولد عمیقتر و وسیعتر میشود. بدین معنی که از یکسو سرمایه‌داران با بهره‌گیری از حداکثر ارزش اضافی و با بدست آوردن و کنترل بازارهای جدید و مطمئن روز بروز میزان بازدهی سرمایه را افزایش داده و نتیجه‌ی این جریان مداوم بجایی منتهی

سود ویژه در هفته‌های اخیر به یکی از مسائل مهم کارگری مبدل گردیده است. تصویب قانون لغو سهام کردن کارگران در سود کارگاهها توسط شورای انقلاب، و فرار گرفتن آن در دستور کار دولت جمهوری اسلامی، موج جدیدی از اعتراضات و اعتراضات کارگری را برانگیخته و مبارزات کارگری را جان تازه‌ای بخشیده است. دامنه‌ی کسرتش این اعتراضات حتی بعرضه‌ی سیاست نیز کشیده شد و جناحهای قدرت در پس این مساله مفارقاتی کردند. حزب جمهوری اسلامی که در پناه فتوای خمینی یکی پس از دیگری بسته سنگرهای جدیدی دست یافته بود اینبار با تشکیر قانون شوراها و لغو سهام کارگران و علم کردن سود ویژه در مقابل رقیب قدرت طلب خود بنی صدر و شرکاء بظاهر در زمسوره مخالفین لغو سود ویژه درآمد و افکار و نقشه‌های ضد کارگری خود را در پوشش طرفداری از کارگران مخفی نمود. جالب توجه است که در رویارویی کارگران با تصویب قانون جدید، این شورای انقلاب نبود که در رادیو و تلویزیون و مطبوعات در مضان اتهام و مورد حمله قرار میگرفت بلکه این وزیر کار و مسئولین دولتی بودند که میبایستی ضمن دفاع از منافع و مظاهر سرمایه‌داری ورشکسته‌ی اینسرا سیر و بلا گردان شورای انقلاب نیز باشند. تصویب قانون لغو سود ویژه توسط شورای انقلاب زمانی صورت گرفت که قانون انحلال شوراها و مستقل کارگری و جایگزینی آن توسط شوراها و دولتی بغامله‌ی چند هفته، تصویب و به دولت ابلاغ گردیده بود.

رژیم حاکم که یکسال پیش تحت فشار مبارزات کارگران با قانون سهام کردن کارگران بهمان کیفیت سابق و با کمی دستکاری در جهت تقلیل حق السهم کارگران موافقت کرده بود، پس از اینکه نهادهای کارگری نظیر شوراها را یکی پس از دیگری مورد حملات شدید و محدودیتهای فراوان قرار داد، اینک بی محابا به دستاوردهای گذشته‌ی کارگران نیز حمله ور میشود و در پناه دستاوردهای غاصبانه‌ی جمهوری اسلامی جبهه‌ی سرمایه را استحکام بیشتری میبخشد.

مادرمقاله دیگری در باب قانون اخیر شورای انقلاب یعنی لغو قانون سهام کردن کارگران و برخی انگیزه‌های اقتصادی سیاستهای ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی، صحبت کردیم. در اینجا لازم است به جنبه‌ی سیاسی - اجتماعی مساله‌ی سهام کردن تکیه کنیم و اهمیت این جنبه از مساله را به کارگران و نیروهای سیاسی هوادار طبقه‌ی

میشود که با انحصار بازار تولید کنندگان اصلی و حتی در عمل مصرف‌کنندگان را در بیداختیار خو میگیرند. و از سوی دیگر انبوه کارگران این طبقه‌ی اصلی مولد جامعه روز بروز با پائین آمدن قدرت خرید مزدوتنزل سطح زندگی در فقر و بیچیزی بیشتر غرق میشوند بنوعی که حتی افزایشهای ادواری دستمزد نیز نمیتواند قدرت مصرف‌آنان را به نحو قابل ملاحظه‌ای بالا ببرد.

دومین مساله پیدایش نوعی سیر قهقهه‌رایی و خلعت ارتجاعي در شیوه‌ی کار و در نتیجه کاهش میزان بهره‌وری و استحصال شاخه‌های تولیدی است، بدین معنی که چون کمیت و کیفیت تولید در درآمد و مزو آنان تاثیری ندارد بتدریج بکار بی علاقه شده و کوششی برای بیشتر و بهتر تولید کردن از خود نشان نمیدهند.... (۱۸ تا ۲۲ اسفند ۱۳۵۲)

تحلیل گره سرمایه‌داری رژیم شاه سپس ادامه میدهد که: "قانون سهام کردن کارگران از منافع کارگاههای صنعتی تولیدی و مکمل منطقی آن "قانون توسعه‌ی مالکیت‌صنعتی" میتواند به بهترین وجهی در حل این دو مساله‌ی اساسی موثر باشد."

از تحلیل فوق چنین بر میآید که رژیم شاه لاف درشعوری جهت ارتقاء سطح کمی و کیفی تولید و از سوی دیگر بساللا بردن قدرت خرید کارگران برای مصرف‌کالاهای تولید شده به قانون سهام کردن کارگران و توسعه‌ی مالکیت‌صنعتی متوسل شده است. اما در عمل این طرح زیرکانه از آنجائی که در گنجایش ظرفیتهای رژیم انحصار طلب و تنگ نظری چون رژیم شاه نبود، اهداف دراز مدت او را جامعه‌ی عموم نپذیراند. بقول تحلیل گره فوق در همان سمینار که حدوداً ده سال پس از اجرای قانون سهام کردن برگزار شد، نتیجه میگردد که:

"از نظر تاثیر اجرائی این اندیشه میبینیم که کمتر از نیمی از کارگران سالانه ۳۰۰۰ ریال یا کمتر بسه درآمدشان از این راه افزوده شده که تاثیر آن را باید ناچیز گرفت و حدود یک سوم جامعه نیز سالانه مبلغی میان ۳۰۰۰ تا ۶۰۰۰ ریال از راه سهام شدن دریافت داشته‌اند... این چگونگی، گزارشگر این معنی است که اولاً بنیان اندیشه‌ی سهام کردن کارگران با هدف افزایش تولید در عموم شکل نگرفته است. ثانیاً تاثیری که باید بر مردم کارگران از راه انگیزش آنان بکار بیشتر بسا کیفیت بیشتر و افزایش دانش حرفه‌ای و فنی آنان بگذارد، بجای نگذاشته است."

در اینجا مسائله‌ای که پیش از همه باید مورد نظر باشد این است که تئوری‌سینهای رژیم شاه بدون اینکه متوجه عواقب طرح سهام کردن خود بوده باشند موجبات طرح مساله‌ی اساسی را در اندیشه‌ی کارگران فراهم نمودند که برای اکثریت کارگران تا آن زمان مطرح نبود. این مساله حق سهام بودن کارگران در مالکیت و سود کارخانه‌هاست. البته هیچکس

در آن زمان از طرح رژیم شاه نمیتوانست دچار توهم و خوشحیالی شده باشد. زیرا که ماهیت رژیم شاه و عملکردهای فاشیستی او با ادعاهای آنچنانی و بلندپروازیه‌سای بورژوا دموکراتیک فرسنگی فاصله داشت.

رژیم شاه براحتمی قادر بود که از دخالتهای اجتماعی کارگران در حساب و کتاب موسسات تولیدی جلوگیری نماید. او اطمینان کامل داشت که شعار دهان پر کن و بی محتسوی سهام کردن با توجه به ابزار سرکوب و حاکمیت ساواک در محیط کار هیچ جنبنده‌ای را یارای جنبش نخواهد بود. با وجود این در ابتدای طرح قانون سهام کردن بسرای جلوگیری از انتظارات "نامعقول" کارگران به انعقاد پیمانهای دسته جمعی و پرداخت سودویژه بصورت حقوق ثابت سالیانه متوسل گردید.

ماده‌ی ۲ از قانون فوق تاکید میکند که: "کارفرمایان... مکلفند حداکثر تا آخر خرداد ماه ۴۲ پیمانهای دسته جمعی بر اساس اعطاء پاداش... با سهام کردن کارگران حاضر اکثریت کارگاه... منعقد سازند...."

ولی با همه‌ی تلاشهای رژیم شاه در کنترل و بی محتسوی نمودن حق سهام بودن کارگران در سود و مالکیت کارگاهها، چنین حقی در ذهن کارگران صورت قانونی و مجاز بخود گرفته بود. بنابراین طرح سهام کردن کارگران در منافع کارگاهها که زمانی برای رژیم شاه به عنوان دستاویزی جهت بالا بردن سطح تولید مطرح شده بود، پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی گریبان رژیم جمهوری اسلامی را گرفت و کارگران با استفاده از چنین حقی براحتمی و بطور ملموس تری در امر کنترل تولید به مداخله پرداختند. بالا رفتن آگاهی کارگران باین درجه که دخالت در امور تولید و توزیع را جزء حقوق خود بدانند یکی از پیش شرطهای مهم ذهنی جهت درک مفهوم سوسیالیستی انقلاب است. بنابراین کار تبلیغی و ترویجی در این زمینه بویژه زمانیکه مساله‌ی سهام کردن در دستور کار مبارزاتی کارگران قرار داشته و از ابتدای انقلاب تا کنون لاینحل باقی مانده است بایستی در دستور کار کمونیستها قرار گیرد. طرح مساله از چنین زاویه‌های، بخصوص زمانی میتواند موثر واقع شود که شوراها مستقل کارگری و فعالیت آنها هنوز میتواند در زمینه نظارت و با کنترل تولید نقش بازی کنند. لغو قانون سود ویژه توسط رژیم بلافاصله بعد از انحلال شوراها مستقل در این رابطه معنا پیدا میکند.

رژیم جمهوری اسلامی از زوایای مختلف ناچار به مقابله با مساله‌ی سود ویژه بود. از طرفی او در شرایطی نبود که بتواند از تاکتیکهای رژیم شاه در این زمینه استفاده کند. با از کار افتادن کارگاهها و اختلال در تولید برای رژیم جدید سروسامان دادن به نظم سرمایه‌دارانه کارخانه‌ها و جلوگیری از آفتشاش در تولید از مسائل مبرم بحساب میآید و از سوی دیگر شوراها خود ساخته‌ی کارگری و دخالت مستقیم آنان در امر تولید و توزیع اجازه‌ی چنین سوء استفاده‌هایی را با و

بقیه در صفحه ۶

# بهره‌ها: توباد اتحاد کارگران علیه سرمایه‌داران

نمیداد. در واقع مسأله‌ی سهم بودن کارگران در سودکارگاه‌ها در رژیم جدید به ضد انگیزه‌ی خود مبدل شده و توجیه مناسبتری برای دخالت در حسابرسی و امور اداری کارگاهها پیدا کرده بود. از نظر اقتصادی نیز پرداخت مبلغی معادل سه ماه حقوق در سال به‌عنوان سود ویژه و ۲ ماه تحت عنوان پاداش و عیدی برای اعتماد و بران‌شده‌ی رژیم جمهوری اسلامی بسیار گران تمام می‌شد. بنابراین مسأله‌ی سود ویژه چه از نظر اقتصادی و چه از جنبه‌ی سیاسی و اجتماعی رژیم تازه کار و حریص جمهوری اسلامی را شدیداً تحت فشار قرار میداد. لذا مبارزه و مقابله با خواست کارگران و شوراهای کارگری در مراحل مختلف عاقبت به‌غرفه‌ی سود ویژه و انحلال شوراهای کارگری انجامید. در مرحله‌ی اول که رژیم یارای مقابله با شوراهای کارگری را نداشت با قانون سود ویژه آنهم با حذف ۲ ماه پاداش و عیدی پرداخت ۹۰ روز در سال موافقت نمود. لیکن جنبه‌ی مداخله‌گرانه‌ی سود ویژه که دست کارگران را در خرج و دخل مؤسسات تولیدی باز میگذاشت بیش‌از جنبه‌ی اقتصادی آن برای سرمایه‌داران و رژیم حاکم آزار دهنده بود. لذا در مرحله‌ی دوم زمانیکه شورای انقلاب کلیه‌ی نهادهای دموکراتیک جامعه را یکی پس از دیگری از صحنه خارج کرده بود به مهمترین نهاد دموکراتیک کارگران یعنی شوراهای حمله‌ور شده و زمینه‌ی ادامه‌ی تصویب فرمانهای ضد کارگری نظیر قانون سود ویژه فراهم‌تر گردید.

از نظر رژیم جمهوری اسلامی مسأله‌ی سهم کسب کردن کارگران که زمانی شاه‌سببه بدون‌دوران‌دیشی چون سنگی بدرون چاه پرتاب‌کرده بود حال با تدابیر اندیشمندان اسلامی با مشکلات فراوان از چاه خارج شده و بقول معروف بایستی غائله‌ی فوق‌بپایان رسیده باشد. اما همانطوریکه مقاومت و مبارزه‌ی کارگران تاکنون نشان داده است مسأله‌ی سود ویژه در میان کارگران بالاگرفته و با وجود عوامل فزاینده‌ی ها و کارشکنیهای حزب جمهوری اسلامی که حاکی از قسوت طلبی و وحشت‌آز نفوذ بیشتر نیروهای مترقی در میان کارگران میباشد و همچنین با وجود فشار دولت در اجرای قانون فوق "غائله‌ی سود ویژه" هنوز ادامه دارد.

از آنجائی که هنوز مبارزه برای حفظ شوراهای مستقل کارگری کماکان ادامه دارد و از طرف دیگر مسأله‌ی سود ویژه بطور وسیعی در دستور کار کارگران قرار گرفته لذا تا زمانیکه بحران سیاسی و اقتصادی رژیم سرمایه‌داری از میان نرفته و تا تشبیت سرمایه‌داری رژیم موجود فاصله داریم، پافشاری در امر تقویت شوراهای مستقل کارگری و مسأله‌ی دخالت‌شورها در امور تولید برای دریافت سود ویژه به‌عنوان بخشی از حقوق مسلم کارگران بایستی در دستور کار نیروهای مبارز هوادار طبقه‌ی کارگر قرار گیرد.